

بررسی گفتمان امام خمینی^(س) در مورد زنان

جمیله کدیور^۱

چکیده: امام خمینی به عنوان نمادی از فقه پویای شیعه که بر اساس مقتضیات زمان و مکان سخن گفته و حکم صادر کرده‌اند، در مورد مسأله زنان نیز موضع‌گیریهای متنوعی داشته‌اند که اگر خواننده اظهارات و نوشته‌های ایشان — متن (Text) — را بدون شرایط زمانی و مکانی (Context) که در آن سخن گفته‌اند در نظر بگیرد، در تحلیل دچار اشتباه و انحراف خواهد شد. دیدگاههای امام خمینی در مقاطع مختلف، متناسب با منطبق موقعیت و شرایط روز جامعه دچار تحول و تغییر شده است. این تحول در چهار مقطع زمانی مشخص قابل مطالعه است. در حالی که در دو مقطع اول که در اوج اقتدار رژیم پهلوی است، امام با هر نوع حضور و مشارکتی از سوی زنان در جامعه و حوزه سیاسی به دلیل مفسده‌هایی که بر حضور زنان مترتب است، مخالفت کرده‌اند. ایشان در دو مقطع بعدی که در آستانه حرکت‌های انقلابی و دهه اول تثبیت نظام جمهوری اسلامی است مشوق و مروج حضور زنان در عرصه سیاسی - اجتماعی جامعه بوده‌اند. در این مقاله درصدد بیان چون و چرایی این تحول دیدگاه در مقاطع یادشده هستیم.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی، زن، مشارکت، کشف حجاب، سیاست.

مقدمه

اندیشه امام خمینی را می‌توان در قالب دوره‌های گفتمانی متفاوتی مورد شناخت و بررسی قرار داد. بر هر یک از این دوره‌ها زبان، موضوع و منطقی خاص حاکم است که با زبان، موضوع و منطق دوره‌های قبل و بعد متفاوت است. این دوره‌ها حاصل بسط، تکمیل یا بحران در زبان و منطق دوره‌های پیشین است. دوره‌هایی که عناصر و گزاره‌های خاص خود را دارد، و در عین حال

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء.
e-mail:kadivar@maktuob.net

این مقاله در تاریخ ۱۳۸۷/۴/۱۵ دریافت گردید و در تاریخ ۱۳۸۷/۵/۷ مورد تأیید قرار گرفت.

عناصر و گزاره‌های مشترکی با دوره‌های قبلی نیز در آن به چشم می‌خورد. در این بررسی با مطالعه متون و سخنرانیها، به درک مفاهیم، گزاره‌ها و پاسخهای موجود برای سؤالات مطرح دست خواهیم یافت. ضمن اینکه شرایط سیاسی - اجتماعی هر دوره نیز مشخص خواهد شد. بررسی نظریات، موضع‌گیریها و عملکرد امام خمینی در دوران حیات سیاسی - اجتماعی ایشان مبین آن است که متناسب با تحولات زمان و مکان و متأثر از شرایط و بستر سیاسی - اجتماعی دوران مورد مطالعه، در دیدگاههای ایشان نسبت به فعالیت سیاسی - اجتماعی زنان (همچون بسیاری موضوعات دیگر) تحولی قابل ملاحظه پدید آمده است. امام خمینی متناسب با منطق، موقعیت و زمان در مورد حقوق زنان سخن گفته، حکم نموده و موضع‌گیری کرده‌اند. به عبارتی، با بررسی و مطالعه متون (نوشتار و گفتار و کردار امام) در چهارچوب بسترهای سیاسی - اجتماعی می‌توان به تحول دیدگاه امام در قبال زنان و فعالیتهای آنان در دوره‌های گفتمانی مورد نظر پی برد. به این تربیت، یکی از ممیزات اصلی امام خمینی نسبت به اکثر مراجع و روحانیون بلندپایه و مطرح این دوران و دوره‌های قبل و بعضاً بعدی، حساسیت ایشان به مسائل زمان و مکان و توجه به شرایط جدید پدیدآمده است. ضمن اینکه توجه جدی به اصول بنیادین اسلام و حرکت در همین چهارچوب نیز همواره مد نظر ایشان بوده است. بر این اساس، انعطاف‌پذیری ایشان در قبال شرایط جدید در قالب و چهارچوب حفظ اصول اساسی اسلام بود، که اظهارات ایشان در مورد زنان و فعالیت اجتماعی آنان نیز از آن مستثنی نمی‌شود. با پذیرش این مسأله، برای تحلیل گفتمان کلام امام، ناگزیر از آنیم که رابطه میان گفتار و نوشتار ایشان را با فضای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی لحاظ کنیم. در نتیجه، دوران حیات سیاسی ایشان را به چند دوره گفتمانی در مورد زنان و فعالیت ایشان تقسیم می‌کنیم. طبیعی است که متناسب با شرایط هر دوره، دیدگاه امام نسبت به زنان و فعالیتهای آنان متفاوت می‌شود. این تفاوت نگرشها، پویایی نگاه امام را نسبت به مسائل زنان نشان می‌دهد. دوره‌های مورد اشاره عبارتند از:

- ۱) از سالهای آغازین دهه ۲۰ تا فوت آیت‌الله بروجردی و آغاز مرجعیت امام در دهه ۴۰؛
- ۲) از سالهای آغازین دهه ۴۰ تا شروع مقدمات انقلاب اسلامی در سال ۵۶؛
- ۳) از سال ۵۶ تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷؛
- ۴) از پیروزی انقلاب تا رحلت حضرت امام در سال ۶۸.

در ادامه به بررسی دیدگاه حضرت امام نسبت به زنان در هر یک از دوره‌های مورد نظر پرداخته، ارتباط گفته‌ها و نوشته‌های ایشان را با شرایط سیاسی و اجتماعی هر دوره مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱. از سالهای آغازین دهه ۲۰ تا آغاز دهه ۴۰: گفتمان نفی کشف حجاب

دوران اول که به طور خاص از اواخر حکومت رضاشاه شروع می‌شود و با فوت آیت‌الله بروجردی در اوایل دهه ۴۰ به پایان می‌رسد، متأثر از فضای پدیدآمده ناشی از سیاستهای غیردینی رضاشاه و محمدرضا در زمینه احیای سنتها و ارزشهای باستانی ایران قبل از اسلام و کم‌رنگ شدن ارزشهای دین، خصوصاً در اعتراض به سیاست تحمیلی رضاخان مبنی بر کشف حجاب زنان به عنوان زمینه‌ای برای آزاد شدن نیمی از جمعیت کشور جهت فعالیت در اجتماع است. در سند مورخ ۲۷ آذر ۱۳۱۴ وزیر داخله و رئیس الوزراء، محمود جم، در توجه به موضوع کشف حجاب، اصلاح زنان و تربیت آنان را یکی از مهم‌ترین اصلاحات اجتماعی به شمار آورد و می‌نویسد:

مادامی که نصف جامعه مستور و از برکت علم و تربیت و زندگانی اجتماعی خارج و دور باشد به اصطلاح عوام (ضعیفه) ناقص العقل بیش نبوده، مانع ترقیات و تمدن مملکت خواهد بود... زن جاهل و پرده نشین قادر به حفظ حیثیت و شرافت خود نبوده همیشه دستخوش مردها بوده و نمی‌تواند کمکی برای عائله و شوهر خود باشد. دائماً محتاج به یک قیم و صاحبی خواهد بود (جعفری ۱۳۷۳: ۷۰).

رضا شاه مدعی بود که وقتی مردم لباس متحدالشکل بپوشند، کلاه پهلوی بر سر گذارند و نسبت به تقییدات دینی سست شوند، متمدن خواهند شد... شاه نیز دلخوش بود که با تغییر لباس و کنار گذاشتن مذهب، جامعه متمدن خواهد شد (جعفری ۱۳۷۳: بیست و سه).

مهدیقلی هدایت، نخست وزیر رضاشاه، در آن مقطع، پیرامون کشف حجاب می‌نویسد: بالجمله امر صادر شد که از اول فروردین ۱۳۱۴ مردها کلاه فرنگی (لگنی) بر سر بگذارند و زنها چادر را ترک کنند. کلاه اجنبی ملیت را از بین برد و برداشتن چادر عفت را، پرده حجاب باقی بود زنها لباس بلند پوشیدند و روسری بپوشیدند و این حجاب شرعی بود. پلیس دستور یافت روسری را

از سر زنها بکشد. روسریها پاره شد و اگر ارزش داشت تصاحب، مدتی زد و خورد بین پلیس و زنها دوام داشت. بسیار زنها را شنیدم که از خانه بیرون نیامدند. امر شد مبرزین محل مجالس ترتیب بدهند. زن و مرد محل را دعوت کنند که اختلاط عادی شود (هدایت ۱۳۷۵: ۴۰۷).

وقتی این تلقی نخست وزیر رضا شاه است، طبیعی است که دیدگاه و نظر مراجع و علمایی همچون حضرت امام در این خصوص چگونه است. این اقدام از نظر امام به عنوان حلقه‌ای از زنجیره سیاستهای رژیم جهت تحذیر مردم و بازماندن آنان از مسائل اساسی جامعه تلقی شد. طبیعی است که در چنین فضای مسمومی، ایشان نسبت به هر اقدامی که از سوی حکومت در حمایت از زنان و فعالیت آنان صورت می‌گرفت، واکنش منفی نشان می‌داد و آن را مضر به حال قشر نسوان - به طور خاص و جامعه به طور عام - تلقی می‌کرد. امام با موضع‌گیری صریح در قبال کشف حجاب زنان، با توصیف آن به عنوان «خانمان سوزترین اعمال ظالمانه دیکتاتورگریز پا» از آن به عنوان خیانت بزرگ رضاخان یاد کرده (امام خمینی بی تا: ۲۳۹) و در کتاب *کشف الاسرار* با انتقاد نسبت به حکومت رضاخان و این اقدام وی چنین می‌نویسند:

...آنان که تمدن و تعالی مملکت را به لخت شدن زنها در خیابانها می‌دانند و به گفته بی‌خردانه خودشان با کشف حجاب نصف جمعیت مملکت کارگر میشود (لکن چه کاری همه می‌دانید و می‌دانیم) حاضر نیستند مملکت با طرز معقولانه و در زیر قانون خدا و عقل اداره شود. آنهايي که اینقدر قوه تمیز ندارند که کلاه لگنی را که پس مانده درندگان اروپاست ترقی کشور می‌دانند با آنها ما حرفی نداریم و توقع آنرا هم نداریم که آنها از ما سخن خردمندانه را بپذیرند. عقل و هوش و حس آنها را اجانب دزدیده‌اند (امام خمینی بی تا ۲۲۴ - ۲۲۳).

امام در تاریخی‌ترین سند مبارزاتی خود - در تاریخ ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۶۳ - ضمن آنکه بدبختی و تیره‌روزی کشور را به خاطر قیام برای منافع شخصی عنوان می‌کنند، می‌گویند:

قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زنهاي عقیف مسلمان برداشت و الآن هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخنی نمی‌گوید. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۲).

اقدامات دیگر رضاشاه، همچون تأسیس و گسترش مدارس دخترانه و همچنین تأسیس دانشگاه که از دختران نیز دانشجو می‌پذیرفت، از نمونه‌های اقدامات دیگر رضاشاه است. این اقدامات هرچند به گروه کمی از زنان یاری رساند، ولی به دلیل عدم تناسب با واقعیات روز جامعه ایران با واکنش و مخالفت خانواده‌ها و محافل مذهبی مواجه شد. پهلوی دوم در سالهای اول حکومت، از میزان فشار بر زنان تا حدودی کاست، هرچند کشف حجاب اجباری در عمل لغو شد ولی آثار سیاستهای مستبدانه گذشته همچنان کام مراجع را تلخ می‌کرد. ضمن اینکه سیاستهای رژیم با شدت کمتری در ادامه سیاستهای قبل مبتنی بر کمرنگ کردن آثار و نشانه‌های دینی بود. با توجه به آنچه گذشت، دوران مورد اشاره متأثر از سیاستهای مدرن‌سازی و تجدیدگرایی ظاهری رضاشاه و محمدرضاست، که مانع اصلی فعالیت زنان و داشتن حجاب تلقی می‌شود. به همین دلیل، امام حضور زنان را در چنین فضایی ناصواب دانسته، به کرات در قبال اقدامات رژیم اعلام موضع می‌نماید. به عبارتی، در حالی که تأکید و سیاست پهلویها بر کشف حجاب است و کشف حجاب را به عنوان مقدمه‌ای برای حضور و فعالیت اجتماعی زنان تلقی می‌کنند، تأکید حضرت امام در این دوران بر مقابله با این دو وجه، یعنی کشف حجاب و حضور نمادین زنان، است.

۲. از آغاز دهه ۴۰ تا سال ۵۶: گفتمان مخالفت با حضور سیاسی - اجتماعی زنان

سیاستهای این دوران، ادامه طبیعی دوره قبل است. مضاف بر اینکه رژیم شاه دوران تحکیم قدرت خود را طی می‌کرد و در چنین فضایی با قدرت بیشتری درصدد محقق کردن سیاستهای خود بود. در این دوره، حکومت محمدرضا شاه که واقعه کودتا و سرکوب نهضت ملی مردم ایران را پشت سر گذاشته و به حمایت امریکا و انگلیس پشت گرم بود، در جهت مدرن‌سازی کشور و تجدد ملت گامهای تازه‌ای برمی‌داشت. از جمله این گامها سیاستهای فرهنگی - اجتماعی و توجه به نقش زنان و حضور آنان در ادارات و نهادهای حکومتی بود. امام خمینی این سیاست را در راستای به تباهی کشاندن زنان می‌دانست. محمدرضا پهلوی، بر اساس درک خویش از نوسازی و توصیه‌های سیاستگزاران امریکایی دست به یک رشته اقدامات زد تا به پندار خویش ایران را از یک جامعه نیمه کشاورزی به کشوری مدرن، صنعتی و متمدن تبدیل کند. در این میان بوروکراسی دولت روز به روز گسترده‌تر می‌شد و فساد و ریخت و پاشها، به ویژه در میان خاندان سلطنتی شدت

می‌گرفت. همراه با این اقدامات تلاشهایی نیز برای گسترش سوادآموزی و توسعه کمی دانشگاهها انجام شد. بخش خدمات گسترش یافت و به جذب کارمندان بسیاری پرداخت. طبیعتاً در نتیجه این سیاستها سهم باسوادی زنان و همچنین ورود زنان به دانشگاهها بیشتر شد. از سوی دیگر، گسترش کمی کارخانه‌ها و کارگاهها و همچنین بخشهای فزاینده اداری، به جذب برخی از زنان به بازار کار انجامید (حافظیان ۱۳۸۰: ۷۱-۷۲). همراه با این اقدامات شاه به تبیین و تدوین ایدئولوژی تمدن بزرگ خود پرداخت. طبیعی بود که در این ایدئولوژی، شاه برای زنان نیز جایگاهی ویژه در نظر گرفته بود و هر از چندگاه آن را به صورت برخی الگوها مطرح می‌ساخت. شاید بتوان غربی شدن را همه آن چیزی دانست که شاه برای جامعه خود و برای زنان در دوره مورد اشاره، مد نظر داشت (حافظیان ۱۳۸۰: ۷۳).

بر اساس ایدئولوژی تمدن بزرگ، خاندان سلطنتی به صورت الگوی آرمانی خانواده در ایران مطرح گردید. سازمانی تحت عنوان سازمان زنان ایران برای قرار دادن زنان در روند نوسازی به عنوان سیاست رسمی و کانالیزه کردن مشارکت زنان در جامعه تأسیس شد (حافظیان ۱۳۸۰: ۸۶). در این دوران دولت سیاست تغییر شکل فرهنگی جامعه ایران را دنبال می‌کرد. تاریخ ایران از نو نوشته شد. تقویم ایران تغییر کرد. سبک زندگی مصرف‌گرا و تجملی خاندان پهلوی به عنوان نمونه و الگو تبلیغ می‌شد. یکی از مسائلی که در این هنگام مجدداً مورد توجه واقع شد، مسأله حجاب زنان بود. این در حالی بود که پس از سقوط رضاشاه سیاست سرکوبگرانه وی در کشف حجاب تا حدودی به کنار گذاشته شده بود و گروهی از زنان که در گذشته وادار به کنار گذاشتن حجاب خود شده بودند، بار دیگر به حجاب روی آوردند (فورن ۱۳۷۷: ۱۹۳). با آغاز سیاستهای جدید دولت، بار دیگر حملات حکومتی به حجاب شدت گرفت و حکومت حجاب را یکی از عوامل عقب ماندگی زنان و مانع ورود آنان به تمدن بزرگ جلوه داد. در این دوره پیش شرط ترقی زن در جامعه، کنار گذاشتن حجاب بود. در همین حال، الگوی تازه زن ایرانی توسط دستگاههای تبلیغی رژیم ارائه شد. برنامه‌هایی همچون انتخاب دختر شایسته سال نمونه‌ای از آن بود که هدف آن معرفی زن شایسته در ایدئولوژی تمدن بزرگ بود. این در حالی بود که افکار و باورهای زن مسلمان ایرانی، مورد تحقیر دستگاههای تبلیغی رژیم قرار می‌گرفت و متقابلاً الگوهای رفتاری سبک غربی ترویج می‌یافت.

در واکنش به چنین فضایی است که حضرت امام در مقاطع مختلف، دیدگاه‌های خود را در قبال سیاست‌های ترویجی شاه در مورد زنان عنوان می‌کنند. با توجه به مفاسد مترتب بر حضور زنان در اجتماع در طی دوران مورد بحث و بهره برداری‌های سوئی که رژیم شاه از فعالیت طیفی محدود از زنان می‌کرد و اصولاً نگرش خاص و محدودی که رژیم نسبت به فعالیتهای اجتماعی زنان داشت، امام مخالفت خود را با اقدامات رژیم در این زمینه به کرات طی دوران مورد نظر اعلام کردند. بر همین اساس ایشان طی اظهاراتی خطاب به وعاظ و گویندگان مذهبی چنین می‌گویند:

از دخالت زنها در اجتماعی که مستلزم مفاسد بی‌شمار است، ابراز انزجار، و دین خدا را یاری کنید. و بدانید «اَنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يَبِيَّتْ اَقْدَامَكُمْ»
(امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۳۰).

امام ورود زنان را طی سالهای مورد اشاره به ادارات، مطابق سیاست‌هایی که رژیم اعمال می‌کرد، مفسده‌آمیز و مخل روند فعالیتها می‌دانست، چرا که به عینه هدف از ورود زنان در برخی مشاغل خدماتی و خاص را نه خدمت به زنان، بلکه در راستای فشل شدن امور تلقی می‌کرد. این موضع‌گیری مبتنی بر تحلیل کلی امام نسبت به جهت‌گیری کلی حکومت شاه است. در سال ۴۱ در حالی که بیش از دو دهه از کشف حجاب می‌گذشت، امام می‌فرماید:

شما ببینید بیست و چند سال است از این کشف حجاب مفتضح گذشته است؛ حساب کنید چه کرده‌اید؟ زنها را وارد کردید در ادارات؛ ببینید در هر اداره‌ای که وارد شدند، آن اداره فلج شد. فعلاً محدود است. علما می‌گویند توسعه ندهید؛ به استانها نفرستید. زن اگر وارد دستگاهی شد، اوضاع را به هم می‌زند؛ می‌خواهید استقلالتان را زنها تأمین کنند؟ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۱۱۸)

گفتنی است که با توجه به استفاده ابزاری که از زنان در فعالیتهای مختلف در این مقطع زمانی می‌شد، ورود آنان به عرصه اجتماع در این دوره از نظر امام به کلی مضر و مخاطره‌آمیز عنوان می‌گردد. امام در سال ۴۱ خطاب به علم با موضع‌گیری قاطعانه علیه مصوبه انجمنهای ایالتی و ولایتی، ورود زنها به مجلسین و انجمنهای ایالتی و ولایتی و شهرداری را مخالف قوانین محکم اسلام دانسته و تشخیص آن را به نص قانون اساسی برعهده علمای اعلام و مراجع عظام می‌دانند. ایشان با استفاده از این نکته که فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت چنین عملی فتوا داده و

می‌دهند و به دلیل شرایط حاکم در این دوران و سوء استفاده‌هایی که از حضور زنان در برخی نهادهای اجتماعی می‌شود، حکم به حرمت آن می‌دهند. امام پیشنهاد ورود بانوان به عرصه انتخابات مجلسهای ایالتی و ولایتی را بیشتر بهانه برای تحت‌الشعاع قرار دادن معارضه رژیم با اسلام و قرآن دانسته، چنین می‌گویند:

دیدیم که از اولی که این دولت بیسواد و بی‌حیثیت روی کار آمد، از اول اسلام را هدف قرار داد: در روزنامه‌ها با قلم‌درشت نوشتند که بانوان را حق دخالت در انتخابات داده‌اند، لکن شیطنت بود؛ برای انعطاف نظر عامه مردم به آن موضوع بود که نظرشان به الغای اسلام و الغای قرآن، درست نیفتد؛ ولهذا، در اولی که اینجا ما متوجه شدیم و اجتماع شد و آقایان مجتمع شدند با هم برای علاج کار، توجه ما در دفعه اول منعطف شد به همان قضیه؛ بعد که مطالعه کردیم دیدیم آقا، قضیه، قضیه بانوان نیست، این یک امر کوچکی است؛ قضیه معارضه با اسلام است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۲۰۹).

امام و سایر مراجع با تلقی این مصوبه به عنوان تجاوز دستگاه حاکم به احکام مقدسه اسلام و احکام مسلمة قرآن اعلام می‌کنند که:

دستگاه جابره با تصویب‌نامه‌های خلاف شرع و قانون اساسی می‌خواهد زنهای عقیف را تنگین و ملت ایران را سرافکنده کند.
دستگاه جابره در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند. یعنی احکام ضروریة اسلام و قرآن کریم را زیر پا بگذارد، یعنی دخترهای هجده ساله را به نظام اجباری ببرد و به سربازخانه‌ها بکشد، یعنی با زور سرنیزه دخترهای جوان عقیف مسلمانان را به مراکز فحشا ببرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۱۵۳).

در حالی که رژیم بر آن بود با برخی اقدامات نمایشی و ظاهری در عرصه‌های مختلف، اعم از داخلی و خارجی، برای خود جایگاه و موقعیت کسب کند و در شرایطی که اکثر زنان و حتی مردان ایران با مسائل و مشکلات زایدالوصفی مواجه بودند، امام در بیاناتی قاطعانه چنین می‌گویند: مگر با چهار تا زن فرستادن [به] مجلس، ترقی حاصل می‌شود؟ مگر مردها که تا حالا بودند ترقی برای شما درست کردند تا زنهایتان ترقی [درست کنند]؟ ما می‌گوییم اینها را فرستادن در این مراکز جز فساد چیزی نیست. شما بعد تجربه کنید ببینید بعد از ده سال، بیست سال، سی سال دیگر، اینها

را بفرستید، به خیال خودتان، ببینید اگر شما جز فساد چیز دیگری دیدید؟ ما با ترقی زنان مخالف نیستیم، با این فحشا مخالفیم، با این کارهای غلط مخالفیم. (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱: ۳۰۵).

امام با طرح این سؤال که مگر مردها آزادند که زنها می‌خواهند آزاد باشند، به ذکر این نکته می‌پردازد که آزادی افراد، اعم از مردان و زنان، در حیطه الفاظ و حرف نیست، بلکه این امر مستلزم حرکت از حیطه حرف به حیطه عمل است. ایشان با بیان علت تأکید رژیم بر حضور طیفی از زنان در برخی از مشاغل، فساد و فحشا ناشی از حضور این گروه را غیرقابل توجیه و مباین با ترقی زنان عنوان می‌کنند. ایشان با بیان این نکته که اسلام مراعات بانوان را در تمام جهات بیش از هر کس می‌کند، معتقدند احترام به حیثیت اجتماعی و اخلاقی زنان موجب شده است که از اختلاط آنان - که با عفت و تقوا مخالف است - جلوگیری شود، نه آنکه بخواهند آنان را مانند محجورین و محکومین قرار دهند. امام خمینی با طرح این مسأله که در زمان رضاشاه و محمدرضاشاه به زنان بیشتر از بقیه اقشار ظلم شد، چنین می‌گوید:

در زمان این پدر و پسر به بانوان ما بیشتر ظلم شد تا به سایر اقشار... در زمان رضاشاه... با اسم اینکه می‌خواهیم ایران را به نظیر اروپا مثلاً بکنیم، ایران را متجدد بکنیم... با بانوان نمی‌دانید چه کردند اینها. دو طایفه را در آن وقت از همه بیشتر بهشان ظلم کردند: یکی بانوان بود... و یکی هم روحانیون بود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۳۵۴).

بنابراین دیدیم علی‌رغم اینکه در این دوران زنان از برخی حقوق همچون تحصیل، حق انتخاب‌شدن و حق انتخاب‌کردن و مشارکت در برخی سطوح اجتماعی بهره‌مند شدند، ولی به دلیل فضای فاسد و ناامن موجود، بعضاً زنان و خانواده‌های آنها حاضر به حضور و فعالیت آنها نبودند و این امر تنها در برخی لایه‌های محدود اجتماعی خلاصه می‌شد.

در ثانی، در این دوره مشارکت به معنای واقعی وجود نداشت و طیف محدودی نیز که در سطوح عالی فعالیت می‌کردند، عمدتاً از وابستگان و اقارب دربار و حکومت بودند نه زنان سطوح دیگر. فعالیت زنان در لایه‌های پایین‌تر نیز بیشتر در حد منشی‌گری، فعالیت‌های خدماتی و جنبه‌های صوری محدود می‌شد و بر این اساس بعضاً ظاهر، جسم و فیزیک زنان محور فعالیت آنها بود و به همین خاطر نیز امام مخالف حضور و فعالیت زنان به این نحو در این دوران بودند.

۳. از سال ۵۶ تا بهمن ۵۷: گفتمان حمایت از حقوق مساوی زنان و مردان

در مقطع سالهای ۵۶ و ۵۷ و حوادثی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید، تحولی جدی در جامعه ایران پدید آمد. این تحول در امور و سطوح مختلف تجلی داشت. آنچه مربوط به موضوع مورد بحث این نوشته است، تحول در نگرش زنان نسبت به خود و تحول در نگرش جامعه نسبت به زنان است. همین تحول است که ضرورت حضور زنان را در جامعه و مشارکت در ساختن بنای جدیدی که مردم آن را ارائه کرده‌اند، توجیه می‌کند.

میلیونها زن ایرانی با شادمانی از پشت چهار دیواری خانه به صحنه عمومی گام نهادند. همراهی آنان با انقلاب اشکال مختلفی داشت: از جمع آوری و پخش اخبار گرفته تا کمک به مجروحین. از تظاهرات در خیابانها گرفته تا مبارزه مسلحانه و جنگ چریکی (Tohidi 1944: 251). امام با طرح مظلوم بودن زنان در دو دوره - یعنی عصر جاهلیت و عصر پهلوی - به مقایسه ضمنی این دو دوره پرداخته، چنین اظهار می‌کند:

مع الأسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است: یکی در جاهلیت. در جاهلیت، زن مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله جاهلیت مرحله‌ای بود که زن را مثل حیوانات بلکه پایین‌تر از او [می‌شمردند] زن در جاهلیت مظلوم بود. اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید. در یک موقع دیگر در ایران ما زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق بود و شاه لاحق به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند ظلم کردند به زن، ظلم‌ها کردند به زن. زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند، زن را از آن مقام معنویت که داشت شیء کردند. به اسم آزادی، آزاد زنان و آزاد مردان، آزادی را از زن و مرد سلب کردند... از مقام انسانیت زن را فرو کشید به مرتبه یک حیوان. به اسم اینکه برای زن می‌خواهد مقام درست کند زن را از مقام خودش پایین‌تر آورد. زن را مثل یک عروسک درست کرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۳۸).

امام با طرح این نکته که اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی زنان نبوده است، به عکس با مفهوم زن شیء شده و عنوان شیء مخالف کرده و شرافت و حیثیت وی به وی باز داده است، اعلام می‌کند:

زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیتهای خود را انتخاب کند؛ اما رژیم شاه است که با غرق کردن آنها در امور خلاف اخلاق، می‌کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند. اسلام شدیداً معترض به این امر است. رژیم آزادی زن را البته نظیر آزادی مرد از میان برده و پایمال ساخته است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۷۰).

از اظهارات فوق به خوبی آشکار می‌شود که امام در این دوره، فعالیت زنان و حاکم بودن آنان بر سرنوشت خودشان را در فضایی سالم و اخلاقی ضروری دانسته، مخالفت خود را با استفاده از زنان در جهت اهداف و مطامع مردان ذکر می‌کنند.

نکته مهم در این دوران، برگزیدن حجاب به عنوان ابزار مبارزه توسط زنان با گرایشات مختلف فکری است. مسأله مهمی که رخ داد این بود که حجاب به عنوان یک نشانه عقب ماندگی در نظر برخی از اقشار جامعه، تبدیل به نشانه ارزش اجتماعی گردید. برخی حجاب را بدین خاطر پذیرفتند که اعتراض خود را نسبت به تبدیل شدن زنان به اشیای جنسی نشان دهند و دیگر زنان نیز حجاب را به عنوان وظیفه‌ای مذهبی مورد استفاده قرار دادند. به هر حال، معنای کلی حجاب در حال تغییر بود (Milani 1983:86).

حجاب و گسترش این پدیده در جامعه، ضمن آنکه تأکیدی بر افزایش گرایشات اسلامی در طیفهایی از جامعه بود، در عین حال به عنوان نمادی از مخالفت با رژیم پهلوی تلقی می‌شد (کدی ۱۳۶۹: ۳۶۵) و در یک کلام نشانه‌ای از روند حرکت جامعه به سمت سالم سازی فضای سیاسی - اجتماعی و امکان حمایت از حضور زنان بود.

با توجه به شرایط خاص ایجاد شده، درحالی که امام در طی دوران گذشته به دلیل وضعیت حاکم و سیاستهایی که توسط رژیم اعمال می‌شد، نسبت به حضور زنان در فعالیتهای اجتماعی ابراز تردید و نگرانی می‌کردند، در این دوران خود مشوق ورود زنان به اجتماع و به دست گرفتن مقدرات خود می‌شدند. امام با طرح این مسأله که هم اکنون زنان مسلمان ایران در مبارزات سیاسی و تظاهرات بر ضد شاه شرکت دارند، تأکید می‌کنند که در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد: حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۱۸۹). ایشان با باور به این مسأله که از نظر حقوق انسانی تفاوتی بین مرد و زن نیست، زیرا هر دو انسانند و زن همچون مرد حق دخالت

در سرنوشت خویش را دارد، بر این اعتقاد بودند که تفاوت‌هایی که بین زن و مرد وجود دارد، به حیثیت انسانی آنان ارتباط ندارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۳۶۴). همچنین معتقد بودند که از نظر اسلام، زنان نقشی حساس در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که بتواند مقام انسانی خود را در جامعه بازیابد و از حدّ شیء بودن بیرون بیاید، در نتیجه، متناسب با چنین رشدی، زن می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۳۶). ایشان بر همین مبنا در طی ماههایی که حرکت انقلابی مردم در جریان بود، بارها اعلام کردند:

در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به صورت یک شیء، نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۱۴).

چنانکه مشاهده می‌شود حضرت امام در این مقطع - متأثر از فضای سیاسی - اجتماعی - به صراحت از مشارکت و نقش زنان حمایت می‌کنند و بر خلاف دوره قبل که حضور زنان را در انتخابات و مشارکت آنان را در عرصه اجتماع مفسده انگیز تلقی می‌کردند، متناسب با تغییر موقعیت زمانی، نظر خود را در این زمینه تغییر می‌دهند.

حضرت امام با تأکید بر ضرورت حضور و فعالیت زنان در صحنه اجتماعی در این دوره به کرات اعلام می‌کنند که «تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۵۰۸).

امام با ردّ شبهاتی که در زمینه محدود شدن زنان در یک نظام اسلامی وجود داشت، بر این امر پافشاری می‌کنند که زنان نیز مثل مردان در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند. به اعتقاد ایشان زنان در همه شئون دخالت دارند. امام با تأکید بر این نکته که ما می‌خواهیم زن به مقام والای انسانی برسد و زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد، هم به نفی گذشته می‌پرداختند و هم نگاه خود را نسبت به آینده بیان می‌داشتند.

بر اساس همین نگرش بود که زنان نیز در لیبیک به اظهارات مؤکد امام در طی ماههایی که منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی شد، به یکباره با حضور در صحنه تظاهرات و فعالیت‌های اجتماعی دیگر که منتهی به سقوط رژیم پهلوی شد، وارد و نفی نگرش شیء‌نگرانه به خود، حضور خود را در صحنه اجتماع به منصفه ظهور رساندند. توجه به این نکته ضروری است که در این دوره،

خصوصاً حضور زنانی بیش از پیش جلب توجه می‌کرد که در طی دوره‌های گذشته خود و خانواده‌شان محیط را مناسب برای حضور نمی‌یافتند. به عبارتی، با امنیت خاطری که از کلام امام برای حضور زنان ایجاد شده بود، خیل زنان از صنوف و طبقات و سنین مختلف در صحنه حاضر شدند و حضور و فعالیت را به عنوان یک وظیفه و حق اساسی برای خود تلقی کردند.

۴. از سال ۵۷ تا خرداد ۶۸: گفتمان ترغیب زنان به مشارکت سیاسی به عنوان حق و تکلیف

دوران چهارم، مقطع زمانی بین پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ تا رحلت امام خمینی در سال ۶۸ را در بر می‌گیرد. در نخستین ماه پیروزی انقلاب اسلامی، امام قاطعانه اعلام می‌کنند که اسلام زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می‌دهد. از این رو اعلام می‌کنند این خرابه‌ای که برای ما باقی گذاشته‌اند، باید به دست همه ملت ایران، چه مردان و چه زنان ساخته شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۰۱). اعتقاد امام در آغاز دوره جدید این بود که زنان باید در سیاست اساسی مملکت دخالت کنند و هر موقع که اقتضا کند، نهضت و قیام کنند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۳۰۱). امام با اعتراف به این نکته که «آنچه در ایران بزرگتر از هر چیز بود، تحولی است که در بانوان ایران حاصل شد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۴۰۲) بر این باور بودند که اگر این نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت به غیر از این تحولی که در بانوان و در جوانان ما پیدا شد، این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۴: ۱۹۷).

از نظر حضرت امام تحولی که در زنان بعد از انقلاب ایجاد شد، بیش از تحولی بود که در مردها پدید آمد:

آندری که این جامعه محترم به اسلام خدمت کردند در این زمان، بیشتر از آن مقداری است که مردها خدمت کردند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۵۰۹-۵۱۰).

نکته مهم و قابل ملاحظه در دیدگاه امام خمینی در این دوره، علاوه بر خواست امام از زنان برای حضور در صحنه، تأکید ایشان بر ضرورت حضور خانمها در سیاست و مقایسه‌ای است که ایشان به دخالت خانمها و روحانیون در امر سیاست دارند. امام در این زمینه می‌فرمایند:

خانمها حق دارند در سیاست دخالت بکنند، تکلیفشان است، روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت بکنند. تکلیف آنهاست. دین اسلام یک دین

سیاسی است... که همه چیزش سیاست است حتی عبادتش (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۰: ۱۵).

با توجه به این مسأله که نوعاً عرصه سیاست عرصه‌ای مردانه تلقی می‌گردید و شبهاتی که توسط رژیم مبنی بر جدایی دین از سیاست طی سالهای حکومت پهلوی القا می‌شد، این اظهارات امام بسیار معنی‌دار و تأمل‌برانگیز است. به عبارتی، امام در این جمله حضور و فعالیت زنان در عرصه سیاست را با حضور و فعالیت روحانیون در سیاست مقایسه می‌کند و برای هر دو امر به یک اندازه اهمیت قائلند. به علاوه فعالیت در عرصه سیاست برای زنان، هم حق و هم تکلیف تلقی می‌شود.

امر مهم و قابل ملاحظه دیگر در این دوران تأکید ایشان بر حضور زنان در انتخابات و رأی‌گیریهاست. امری که در دوره‌های قبلی به دلیل بستر خاص سیاسی - اجتماعی حاکم و مفسد مترتب بر آن مورد نفی و ردّ امام و سایر مراجع بود. در این دوران به عنوان یک تکلیف و وظیفه شرعی مطرح می‌شود و این از حساسیتهای رهبران شیعه نسبت به زمان و شرایط حاکم بر آن است که برای یک عمل یا موضوع ثابت در دو دوره مختلف زمانی، دو حکم متفاوت صادر می‌شود. امام به دفعات در این دوره بر حق رأی زنان تأکید کرده، می‌گویند:

زنها حق رأی دارند. از غرب بالاتر است این مسائلی که برای زنها ما قائل هستیم. حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند.
(امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۳۶).

در اولین سال پس از پیروزی انقلاب، زنان در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۵۸ شرکت داشتند و یک زن (خانم منیره گرجی) نیز به عنوان عضو مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از آن نیز در انتخابات مجلس شورای ملی (اسلامی) در سال ۵۹ زنان مشارکت فعال داشتند و چند نفر نیز در این انتخابات از تهران انتخاب شدند. هر چند متناسب با دیدگاه سنتی موجود، عده‌ای از نمایندگان طی نامه‌ای برای امام درخواست اخراج نمایندگان زن را از مجلس داشتند، که البته امام به نامه این جمع وقعی ننهادند. پس از آن، زنان پشت گرم به حمایت امام در انتخابات مجلس در ادوار بعدی به صورت فعال شرکت کردند و کرسیهایی، ولو محدود، به خود اختصاص دادند.

امام با بزرگداشت زنان به عنوان طیفی که در کنار مردان بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند، توجه زنان را به این نکته جلب می‌کنند که آنها باید توجه

داشته باشند که با شرکت فعالانه خود پیروزی ملت ایران را هرچه بیشتر تضمین کنند. چرا که شرکت در این امر برای مرد و زن از وظایف ملی و اسلامی است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۴۰۸). امام با پذیرش حضور و فعالیت اجتماعی زنان و طرح ضرورت آن در دوران جدید، به علت مخالفت خود با این قضیه در دوران حکومت پهلوی نیز پرداخته، چنین می گویند:

البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن، هیچ مانعی ندارد؛ لکن نه آنطوری که آنها می خواستند. آنها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند. نظرشان به این بود که زن را مثل مردها هم، زنها را و مردها را، از آن مقامی که دارند منحط کنند، نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۳۳۲).

امام با اصل قرارداد حفظ عفت در انجام وظایف اجتماعی بر این اعتقاد بودند که امروز باید خانمها، وظایف اجتماعی و وظایف دینی خودشان را عمل کنند و عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام دهند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۳: ۱۹۳). ایشان با طرح این نکته که زنان هم مانند مردان باید در امور سیاسی دخالت کنند، جامعه خودشان را حفظ کنند و در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی هم‌دوش مردها باشند (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۴۰۳) حفظ شئون اسلامی را مبنا قرار داده و در چهارچوب این اصل بنیادین فعالیت زنان را توجیه و تحلیل می کنند.

جمع بندی

با توجه به مباحث پیش گفته، تحول گفتمان و دیدگاه حضرت امام نسبت به زنان و حضور سیاسی - اجتماعی آنها در مقاطع مختلف قابل ملاحظه است. بدون شک تمام این تحولات در نگرش امام نسبت به زنان، هم‌ناشی از تحولات جامعه و شرایط مساعد پدید آمده بعد از انقلاب و ضرورتهای ناشی از آن بود و هم ناشی از تحولی که در زنان حادث گردید، ضمن آنکه پویایی فقه شیعه و نگاه روشن فقیه بزرگی همچون امام خمینی را نیز نشان می دهد. علی‌رغم این نگاه مثبت و پویای امام نسبت به حضور و فعالیت زنان در صحنه اجتماع، متأسفانه امروز همچنان رگه‌هایی از تحجر و جمود در میان قشری از متدینین و مروجین دین وجود دارد، به گونه‌ای که قائل به هیچ نوع تحولی در رابطه با مسائل زنان، حقوق زنان و فقه زنان نیستند. اشاره مختصری که به چهار دوره مورد بررسی در این مقاله شد، ضمن آنکه تحول در نگرش امام را نسبت به زنان متناسب با

تحولات و شرایط زمان و مکان نشان می‌داد، تحول در اوضاع و احوال سیاسی - اجتماعی را نیز آشکار می‌ساخت. به عبارتی، در این مختصر سعی شد ارتباط میان کلام امام و تحول آن با شرایط سیاسی - اجتماعی پدید آمده، به گونه‌ای موجز شرح داده شود. به این ترتیب، همان‌گونه که امام متناسب با تحولات جامعه دیدگاه‌های خود را در خصوص نقش و حضور زنان تغییر دادند، این انتظار از سایر فقها و علمای شیعه نیز می‌رود که امروز در غیاب ایشان، متناسب با تحولات موجود در جامعه زنان، گره‌های ناگشوده را با سرانگشت تدبیر باز کنند و از تبدیل شدن آنها به معضلات اجتماعی جلوگیری نمایند.

منابع

- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
- _____ . (بی تا) *کشف الاسرار*، بی نا.
- جعفری، مرتضی و دیگران. (۱۳۷۳) *واقعۀ کشف حجاب: اسناد منتشر نشده از واقعۀ کشف حجاب در عصر رضاخان*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
- حافظیان، محمدحسین. (۱۳۸۰) *زنان و انقلاب*، تهران: اندیشه برتر.
- فورن، جان. (۱۳۷۷) *مقاومت شکننده*، ترجمه احمد تدین، تهران: نشر رسا.
- کدی، نیکی. (۱۳۶۹) *ریشه‌های انقلاب ایران*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر قلم.
- هدایت، مهدیقلی. (۱۳۷۵) *خاطرات و خطرات*، تهران: چاپ ممتاز، چاپ پنجم.
- Milani, Farzaneh. (1983) *Veils and Words: The Emerging voices of Iranian Women Writers*, (Syracuse: Syracuse University Press.
- Tohidi, Nayereh. (1944) "Gender and Islamic Fundamentalism: Feminist Politics in Iran." *In Third World women and politics of Feminism*. Chandra Tapade Monhanty (ed). New York: Bloomington and Indianapolis.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.